

اسامی ترکی در فهرست نویسی

نوشتۀ : لمان کانکایا *

ترجمه : بهزاد سالی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

زبانهای ترکی در منطقه وسیعی از اروپای شرقی تا ترکستان چین — متکلم دارد. علی رغم وسعت مناطقی که زبانهای ترکی در آنها شایع است، صرف نظر از چند استثناء، این زبانها همسانی شایان توجهی دارند. به اعتقاد زبانشناسان، زبانهای ترکی جزو زبانهای آلتئائی و شامل آذربایجانی، قزاقی، قرقیزی، ترکی، ترکمن، اویغور، ازبک و یا کوتی هستند.

* Leman Cankaya. "Cataloging Rules for Turkish Authors" in *International Library Review* (1976) 8, 349-352.

در حال حاضر زبان ترکی را زبان متداول مردم ترکیه می‌دانند. در دوره امپراطوری عثمانی، زبان ترکی به ترکی استانبولی یا ترکی عثمانی-اشتهارد اشت. ترکی عثمانی لغات عربی و فارسی بسیاری دارد. تا تغییر الفباء، از الفبای عربی و سه حرف از حروف زبان فارسی استفاده می‌شد. خطی که با این الفبا نوشته می‌شد از راست به چپ خوانده می‌شد. زبان ترکی به وسیله مصطفی کمال آتاتورک که بانی ترکیه جدید است در سال ۱۹۲۸ دچار دگرگونی و تغییر شد. بعد از اخذ الفبای لاتین جدیدی برای پیراستن زبان ترکی از لغات عربی و فارسی در ترکیه آغاز شد.

در این مقاله راجع به اسامی هردو دوره یعنی دوره عثمانی و ترکیه جدید گفتگو می‌کنیم. در ۱۹۳۸، یازده سال قبل از اعلام جمهوری، قانونی راجع به نام خانوادگی در ترکیه تدوین و تصویب شد. بنابراین قانون، هر خانواده ترکی موظف بود برای خود نام خانوادگی خاصی انتخاب کند. ماده اول این قانون اینطور می‌گوید: "هر ترک موظف است علاوه بر اسم کوچکش نام خانوادگی داشته باشد" و در ماده دوم می‌خوانیم: "در گفت و گو و نوشتن، اسم کوچک قبل از اسم خانوادگی می‌آید." هیچکس نمی‌تواند بدون ثبت نام خود در دفتر ثبت احوال از اسم خانوادگی خود استفاده کند.

مطابق این قانون: اسامی مؤلفان ترك سه حالت دارند:

۱. اسامی کسانی که تا قبل از تصویب قانون نام خانوادگی، آثار خود را پدید آورده‌اند.
۲. اسامی کسانی که قبل و بعد از تصویب قانون به نوشتن آثار خود ادامه داده‌اند.

۳. اسامی کسانی که آثار خود را پس از این قانون پدید آورده‌اند. نام مؤلفانی که قبل از تصویب قانون نام خانوادگی زندگی می‌کرده‌اند تحت این قواعد وارد می‌شود:

الف. اسم کوچک ب. نام خانوادگی پدر پ. لقب یا تخلص ت. نسبت.

در دسته^۴ الف اگر مؤلف تنها يك اسم کوچک داشته باشد، این اسم کوچک به عنوان شناسه تعیین می شود. هرگاه اسم دوم عنصری باشد و هر يك از آنها يك اسم خاص باشد، تمام اسم بدون قلب نوشته می شود و اسم اول شناسه قرار می گیرد. بسیاری از مؤلفان این دوره از این گروه اند. مثال:

احمد هاشم، ۱۸۸۵-۱۹۳۳.

احمد راسم، ۱۸۶۴-۱۹۳۳.

جناب شهاب الدین، ۱۸۴۵-۱۹۳۴.

فاطمه عالیہ، ۱۸۶۴-۱۹۳۴.

مقبوله لمان، ۱۸۶۵-۱۹۶۸.

نامق کمال، ۱۸۴۰-۱۸۸۸.

توفیق فکرت، ۱۹۶۸-۱۹۱۵.

بهتر است قبل از اینکه راجع به گروه "ب" توضیح بدهیم به بحث درباره اسامی و اسامی خانوادگی دوره عثمانی بپردازیم. در زمان حکمرانی امپراطوری عثمانی بعضی خانواده ها اسامی خانوادگی داشتند و بعضی نداشتند بعضی افراد يك اسم کوچک داشتند و بعضی دو اسم و خیلی از اسامی خانوادگی به "زاده" و "اوغلو" به معنی "فرزند" ختم می شدند. اگر مؤلفی اسم خانوادگی داشته باشد و همه جا در آثارش به همین نام شناخته شود، شناسه اش همین اسم خانوادگی است. اگر مؤلفی نام خانوادگی داشته باشد اما بیشتر به نام کوچکش معروف باشد شناسه اش اسم کوچک اوست و از اسم خانوادگی يك ارجاع داده می شود. مثال:

اسم کوچک شهرت

اسم نویسنده: احمد رفعت یاغلیقچی زاده

شناسه: احمد رفعت یاغلیقچی زاده

ارجاع از: یاغلیقچی زاده، احمد رفعت

بعضی مؤلفان که پدرانشان اشخاص معروفی بوده‌اند معمولاً اسم پدرشان را با یک پسوند "زاده" یا "اوغلو" بکار می‌برند. مانند رجائی زاده، محمود اکرم. محمود اکرم اسم مؤلف است و رجائی اسم پدرش. در این مورد شناسه چنین خواهد بود: رجائی زاده، محمود اکرم.

غالب نویسندگان ترک این دوره، اگر معمولاً بالقب هایشان شناخته‌تر باشند، زیر القابشان وارد می‌شوند. مثال:

قاضی برهان الدین احمد

شیخ غالب محمد اسد

ملا تحسین

میزانچی محمد مراد

معلم ناجی

مؤلفانی که از القاب استفاده می‌کنند اگر به اسم کوچک معروف تر باشند شناسه آنها همان اسم کوچک است ولی لقب نیز بلافاصله و بایک "کاما" به دنبال اسمشان می‌آید.

علی، شیخ الاسلام (لقب)
محمد، شریف، حافظ (لقب)
نوری، خواجه (لقب)

لقب عنوانی قراردادی است که فرد به خودش می‌دهد و یا بوسیله دیگران به او اعطاء می‌شود. لقب ممکن است بر مقام رسمی، مذهبی یا خصوصیات دیگر یک فرد دلالت کند. تخلص، اسم ادبی یا شعری است که شعرا و اهل ادب برای خودشان انتخاب می‌کنند. اگر استفاده از تخلص هنوز ادامه داشته باشد و مؤلف به آن معروف باشد، شناسه نام او همان تخلص اوست.

غیبی (اسم واقعی)

قایغوسیزابدال (تخلص)

عمر (اسم واقعی)

نفع (تخلص)

عمارالدین (اسم واقعی)

نسیمی (تخلص)

در غیر اینصورت شناسه از اجزاء مشهور دیگر اسم درست خواهد شد -

شد :

اسماعیل انقروی ، رسوخی (تخلص)

هرگاه لازم باشد ، می توان از تخلص یا قسمتهای دیگر اسم ارجاع

دار :

شناسه : اسماعیل انقروی ، رسوخی

ارجاع از : انقروی ، رسوخی

ارجاع از : رسوخی اسماعیل انقروی

بعضی مؤلفان که به محلی که با آن نسبت دارند شناخته و معروف اند
زیر نام محل وارد می شوند .

بورسالی محمد طاهر

بای بورتلو زهنی

در موارد یکه مؤلف به نام کوچکش معروف است و نه به اسم محل ، زیر
نام کوچک وارد می شود و اسم محل با يك "کاما" بدان اضافه می شود .

محمد اسد، یانیالی

محمد ناهید، بورسالی

محمد امین ، اسکی شهرلی

برای فرق گذاشتن بین مؤلفان مختلفی که دارای اسامی یکسان
هستند می توانیم اسامی محل تولدشان را بعد از اسم کوچک آنها بیاوریم .

محمد رفعت ، آماسیالی

محمد رفعت ، گلی بولولو

محمد رفعت، ماناسترلی

عده‌ای از مؤلفان عثمانی اسامی خود را هم به فارسی یا عربی می‌نویسند و هم به ترکی. در این موارد شکل ترکی اسم ترجیح داده می‌شود و از اشکال عربی یا فارسی ارجاع داده می‌شود.

شناسه: علی قوشچی (شکل ترکی)

ارجاع از: علی القوشچی (شکل عربی)

شناسه: چیوی زاده

ارجاع از: ابن چیوی

مؤلفانی که از اسم پدر یا فرزند خود به صورت عربی زبانان استفاده کرده‌اند زیر اسامی خودشان وارد می‌شوند و از اشکال دیگر ارجاع ساخته می‌شود. این ارجاعات ضروری و لازم نیستند اما ممکن است مفید باشند:

محمد بن احمد الرومی

ابراهیم رشد بن محمد شوقی

محمد بن ظفر ابوهاشم

اسامی مؤلفانی که قبل از قانون نام خانوادگی و بعد از آن به تألیف کتب پرداخته‌اند زیر اسم خانوادگی‌شان وارد می‌شوند و از اسامی کوچک آنها ارجاع ساخته می‌شود.

شناسه: گن تکین رشاد نوری

ارجاع از: رشاد نوری

شناسه: ترخان عبدالحق حامد

ارجاع از: عبدالحق حامد

شناسه: اشاق لیقل، خالدضیا

ارجاع از: خالدضیا

تمام مؤلفان بعد از قانون نام خانوادگی زیر نام خانوادگی‌شان وارد

می‌شوند به استثنای مؤلفانی که از اسم مستعار استفاده می‌کنند و به اسم مستعار معروف هستند که شناسه آنها همین نام مستعار خواهد بود و از نام خانوادگی ارجاع داده می‌شود.

شناسه: عزیز نسین (اسم مستعار)

ارجاع از: محمد نصرت (اسم واقعی)

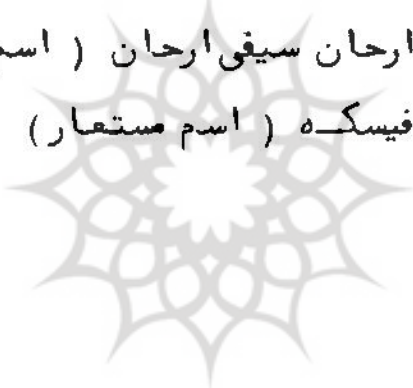
اگر مؤلفی از اسم مستعار استفاده کند و اسم حقیقی او را نتوانیم پیدا کنیم شناسه اسم مستعار خواهد بود و در این مورد طبعاً ارجاعی نمی‌توان داد. شناسه: ایو چوق ده

اگر مؤلفی هم از اسم مستعار و هم از اسم حقیقی خود استفاده کند

شناسه او نام واقعی‌اش خواهد بود و از اسم مستعار ارجاع می‌سازیم:

شناسه: ارخان سیفی ارخان (اسم واقعی)

ارجاع از: فیسکه (اسم مستعار)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی